

ممالک شرقی بهیچوجه سابقه نداشته است چـون فوق العاده وحشت انگیز و خطرناکست از ذکر آنها خود داری میکنم این قبیل اتفاقات جزء وقایع عادی هر پایتخت بزرگ اروپا و امریکاست و مردم هیچ غریب نمی شمارند و آنرا از اثرات تمدن عصر حاضر میدانند.

اما در قسمت رعایت اصول احترام عفت چون زندگانی در آنها ها بی اندازه سخت و مشکل شده است و عادات جاری بر این قرار گرفته که هر کس ناچار است امر معاش خود را خود اداره نماید عائله ها در نگاهداری جوانان خود پسر یا دختر تا حدی معین رعایت میکنند بعد از آن عائله ها و هم خود این پسران و دختران جوان بحکم اجبار داخل دنیا شده میبایست زندگانی خود را خود اداره نمایند در اینصورت رعایت احترام نسبت باین جوانان کمتر مورد توجه است دختران ناچارند برای کسب معیشت با مردان و پسران داخل در مبارزه حیات شوند این مبارزه سبب سلب احترام آنها میگردد

در عالم دیانت نیز تغییرات کلی روی داده امروز مذهب در اروپا و امریکا دیگر عامل مؤثر در زندگانی اروپائی و امریکائی نیست در کلیساها دیگر موضوعات مذهبی در بین نیست بحث در مسائل علمی ادبی اجتماعی و اقتصادی است کشیش ها تماماً صحنه عمل خود را عوض نموده اند و عظه‌های مذهبی را غالباً کنار گذاشته و داخل در عالم علم و عمل شده اند.

اخيراً يك كتابی را كه تازه از طبع خارج شده (۱) خواندم در آنجا ميگويد امروز دو ثلث ملت (سكنه جزاير بریطانيا) بهيچ يك از شعبات مذهب مسيح علاقه مند نيستند و رابطه ندارند از حيث ديانت نيز وقتي كه خوب وقت ميكنيم ديده ميشود علاقه بان در بين نيست.

ماه دوم سال ۱۹۱۴ اتفاقاً در شهر نيويورك بوده در آن ماه سرما و برف فوق العاده در آن شهر پيدا شد كه چند روز خيابانها مسدود گرديد و تمام لوله هاي آب خانه ها يخ كرده ده ها هزار عملة بپاك كردن خيابانها مشغول شدند در روزنامه خواندم كه در اين روزها قريب سي هزار نفر بي خانمان بودند و قبل از اين سرما در آن شهر با عظمت كه ثروت و دولت ان اسباب حيرت سكنه دنياست در زير آسمان بسر مي بردند در صورتي كه دو ثلث اطافه اي خانه هاي عريض و طويل ان شهر خالي از سكنه است.

در روزنامه خواندم كه بلديه شهر كشتي هائي را كه روي رودخانه هودسن براي عبور و مرور مردم بين شهر نيويورك و نيوجرزي است قرار داده است شب ها گرم كنند و فقراء بي خانمان را در آنها جاي دهند شخصاً بتمناي بيكي از آن كشتي ها رفته مردم بدون زير انداز و رو انداز روي تخته هاي

(1) a Century of stupendous Progress 1825-1925 by G. McCabe London 1926

کف کشتی خوابیده بودند (۱) مشاهده اینحالت هر بیننده را برقت می آورد و منتها درجه دو طرف زندگانی بشری را در پیش نظر مجسم مینمود در یکی از آن اسباب تجمل بافراط و اعلا درجه زندگانی خوش و خرم در دیگری آن درجه پست فقر و فلاکت و ادبار بشری که گریبان گیر قسمت عمده اجتماعات بشری است پس از بیانات فوق اینطور میشود نتیجه گرفت که تمدن ملل و تمدن اروپائی به آن معنای خیالی و تصویری که ما شرقیان از آن استنباط میکنیم نیست یعنی در ازدیاد امانت - دیانت - اخلاق - ایمان - رأفت و مهربانی دخالتی ندارد بلکه اعتنائی هم نسبت به آنها نیست و علاقه هم نشان نمیدهند.

پس این تمدن چیست که گوش شرقیان را کر و چشمهای آنها را خیره نموده است اگر هایل باشید من ان را برای شما شرح میدهم.

در ممالک اروپا و امریکا قبل از هر چیز و مقدم بر همه وسایل زندگانی رعایت و اطاعت و احترام قانون است که جای تمام این محسنات اولیه و جاریه قرون گذشته تاریخ بشری را گرفته است اگر بناهای مذهب ست شده و برای جلو گیری اعمال غیر مشروع انسان مؤثر نیست بجای ان قوانین مؤسسات جنائی - جزائی و حقوقی بر قرار شده که اندک حرکت خلاف نظم و

(۱) در یادداشت روز سه شنبه ۱۳ از انوبه ۱۹۱۴ من این عبارت را نوشته و دیشب سرما بدرجه ۱۲ رسیده یعنی ۲۰ درجه زیر میزان یخ بندی چونکه در ۳۲ فرنها یلدا آب یخ میکند در روزنامه نیویورک تایمز شرح حال بی خانمانها را خواندم خیلی دلم سوخت اگر انسان بخواد بداند چه اندازه باین بدبختها بد میگذرد قابل تصور نیست

ترتیب و اخلاق و امانت را تعقیب و مرتکب را بدون رعایت شأن و مقام و ثروت جلب و محاکمه و بمجازات میرسانند و برای این مقصود اشخاص امین - صدیق با ایمان عالم و بصیر معین شده اند که بدون ذره اظهار تمایل بطرفی یا رفتن تحت تأثیر نفوذ مقامی یا شخصی و او در هر درجه و مقام باشد متخلفین را محاکمه مینمایند و حکم آنها بدون امعان نظر و دخالتی بموقع اجرا گذاشته میشود.

چنین اشخاصی که باین درجه و مقام رسیده اند که حکم آنها نافذ و احکام آنها غیر قابل تغییر است هیچ قوه نمی تواند مقام آنها را متزلزل کند و هیچ اولوالامری نمیتواند در رأی آنها دخالت نماید و هیچ صاحب نفوذی نمیتواند در آنها اعمال نفوذ نماید در نتیجه يك امنیت مالی و جانی در تحت لوای مطلق یعنی قانون برقرار میشود که اطاعت حکم آن بر تمام طبقات واجب و احترام آن بر هر صاحب قدرت و نفوذی لازم میاید. متناسب با همین مؤسسه يك مؤسسه دیگر بوجود آمده که احکام صادره از این مقامات بدون دخالت و ملاحظه در رعایت جاه و جلال و مقام شخص محکوم بموقع اجرای گذارده میشود. تعلل در کار نیست اصلاً فکر آن ممکن نیست پیدا شود این در و آن در زدن برای خلاصی مورد ندارد توسط عمر و زید و بکر و خالد از گناهان غیر قابل بخشش بشمار میرود هیچکس جرئت چنین حرکتی را ندارد و احکام صادره اجرا میشود ولو بغلط هم صادر شده باشد.

وقتیکه حال بدین منوال شد امنیت مالی و جانی روی يك

چنین اساس و شالوده محکم و متین گذاشته شد دیگر کارهای  
جانی - خائن - سارق - دشمن عفت و عصمت - خیانت در  
مالیه ملت یا نسبت بوطن و ملیت اختلاس در وجوه دولت افشای  
اسرار دولتی روابط سری با اجنبی در صورت کشف و علنی  
شدن ممکن نیست بدون مجازات بماند یا غافل خلاص شود هر  
يك بفرأ خور تقصیر خورد در مقابل قانون مقصر و تعیین میزان  
تقصیر باقاضی و بعد از صدور حکم بلا شرط و بدون تعلل و بلا  
مانع بموقع اجرا گذاشته میشود.

عدم وقوع جنایت در میان ملل بهر درجه و پایه تمدن  
رسیده باشند غیر ممکن است حتماً در میان يك ملت متمدن  
به تناسب بزرگی و کوچکی آن يك عده جانی - يك عده سارق  
مخالف عفت و عصمت يك عده راهزن و يك عده اراذل و اوباش  
وجود خواهند داشت هر اندازه هم قوانین سخت باشند و هر  
اندازه تند و شدید برای جلوگیری وضع شود باز ممکن نیست  
از وقوع يك سلسله جنایت ها جلوگیری کرد.

فرقی که هست اینست وقتیکه يك جنایت یا خیانت واقع  
شود تعقیب میشود و مرتکب معلوم و گرفتار و بحکم قانون  
بمجازات میرسد دیگر کسی دخالت در آن محاکمه یا مجازات ندارد.  
در صورتیکه وسایل تولید ثروت باعلی درجه رسیده و  
از دیادان با يك سرعت غیر قابل قیاس پیش میرود بهمان درجه  
نیز فقر و فاقه در این ممالک رو باز دیاد است - با اینکه دولت  
انگلیس از چنگ فاتح بیرون آمد و در نتیجه چنگ عالم سوز

بیش از سایرین استفاده مادی و معنوی نمود باز در سال ۱۹۲۵ فقر و فاقه در میان طبقه سوم و کارگر بیش از اوقات گذشته بود در آن سال از هشت نفر که یگانه وسیلهٔ امرار معاش آنها در دست است که با بکار انداختن آنها میتوانند زنده بمانند یکنفر آنها بدون کار بود در حالیکه در سال ۱۹۱۴ از هیجده نفر یکنفر بدون شغل بود (۱) و عده آنها از یک میلیون و چهار صد هزار نفر تجاوز نموده تمام اینها بدون شغل بودند اگر احصائیه تمام بیکاران ممالک اروپا را مطالعه کنید یقین اسباب وحشت انسان خواهد شد.

اگر از تمدن غربی انتظار رحم و مروت و الطاف میرفت میبایست این فقر و فاقه نیز روبه نقصان برود در صورتیکه احصائیه چنین چیزی را نشان نمی دهد

اما از طرف دیگر هر یک از ملل اروپائی از نوک یا تا فرق سر غرق آهن و فولاد شده برای جنگ حاضر گردیده اند با اینکه چند سالی بیست میلیاردها لیره خرج و ملیونها جوانان با استعداد در سن شباب قربانی دادند باز بجنگ حریص تر شده و بخونریزی بیشتر مایل هستند

اگر مقصود از تمدن مقیاس فرضی سکنه شرق است

---

(1) Europa year Book 1926. P. 140

این سالنامه از سال ۱۹۲۶ شروع شده و شماره اول آن در همان سال منتشر شده دارای احصائیهٔ جامعی است تا حال دو جلد بیرون آمده فقط اطلاعات آن راجع با اروپاست.

باید این قبیل اقدامات وحشیانه روز بروز و سال بسال نقصان پیدا کند چگونه است همه ساله بر مقدار اسباب و آلات قتاله افزوده میشود و سایل جنگ زمین و آسمان و زیر و روی دریا بیشتر و ماکمل تر میشوند .

من در انقسمت های اخلاقی و مذهبی داخل نمیشوم و از احصائیه آنها سخن نمیرانم و میگذارم جوانان حساس و مال اندیش ایرانی خود این نکته مخصوص را با چشمهای دور بین خود ملاحظه کنند غرض عمده من در اینجا نمایاندن و معرفی نمودن تمدن غربی بود که بر خلاف معنی باطنی در میان ملل مشرق نسبت بانها عقیده پیدا شده تصور میکنند که در تمام اینها رعایت جنبه اخلاقی نیز شده است .

بلی ظاهر امر خیلی دلریاست در بعضی جاها می بینید يك اعلان بزرگ نصب شده معرفی میکند که در اینجا سگها معالجه میشوند یعنی این محل بنای مریضخانه سگهاست مشرقی از رأفت و مهربانی غربی مات و مبهوت میماند و بهر چه و هر کس که شرقی است لعن و نفرین میکند ولی اگر شب ساعت ده پایازده بیکی از گردشگاههای عمومی برود خواهد دید زندهای بی کس و کار يك طفل در آغوش و یکی دو طفل هم در کنار در آن هواهای سرد شب از نداشتن جا و منزل در گردش هستند و پلیس مانع از آنست که بگذارد آنها در جائی بنشینند و قدری

استراحت کنند (۱) یا از شدت سرما نمی توانند در گوشهٔ راحت بنشینند.

درست است در یضخانه های سَك وجود دارند نه برای سگهای بی صاحب بلکه برای سگهای خانمهای متمول و صاحب ثروت که برای ماندن دوشب سَك آن خانمها در چنین مریضخانه اولاً چند لیره باید بدهد و با کمال خنده و گشاده رویی هم میدهد و اینواقعه را هم در هر مجلس و محفلی با آب و تاب بیان میکنند و مستمعین نیز باخنده و شادی تحویل میگیرند و سَك را هم نوازش میکنند اتفاقاً اگر شب وقت رفتن به تئاتر یکی دو نفر از این اطفال معصوم که بی صاحب و مونس در کوچه ها سرگردانست در زیر اتوموبیل او بماند ابتدا رقت نکرده و از رفتن تئاتر هم باز نمیماند (۲)

تمدن اروپا یعنی داشتن زور - قدرت و توانائی یعنی دانستن و توانستن و بعمل آوردن ثروت بوسیلهٔ صنایع و فنون و اختراعات یعنی آهن را بجای طلا فروختن سَك را بلور کردن و از بطن زمین ذخائر را بیرون آوردن و باشکال مختلف ساختن و

(۱) این مناظر را مکرر در مکرر در شهر نیویورک و شهر

لندن در قسمت ویکتوریا امپنک منت شخصاً مشاهده نموده ام  
victoria embankment

(۲) در سال ۱۹۱۴ در روزنامه خواندم شب يك طفل بی

پرستار زیر اتوموبیل يك خانم متمولی رفت و فوراً هلاک شد با اینکه آن خانم از مَرَك طفل مطلع شد باز از رفتن تاتر منصرف نگردید.



باطلا معاوضه نمودن یعنی داشتن زور و توانائی برای حمله نمودن و تصاحب کردن مملکت دیگری و بردن ثروت ملی آن و مطیع و فرمان بردار کردن سکنه آن یعنی استعداد و قدرت نگاهداری ملیونها بشر در تحت اطاعت و انقیاد و حکومت کردن بانها باخون و آهن بدون دادن حق حیات و دخالت در امور متعلق بملت و حکومت آنها یعنی ستایش خداوند زور - شوکت و عظمت برای بقای خویش و محو و فنای علائم و آثار آن در سایرین یعنی سیادت بر سایرین بدون رعایت عدل و انصاف - تمدن اروپا یعنی اینها خوب است شرقی از خواب غفلت بیدار شود و بداند در دنیا چه باید تحصیل کند و دارای چه صفات باید باشد .

اروپائی در خود تعصب ملی را باعلا درجه دارد ولی این صفت را در شرقی تصبیح میکند اروپائی سخت باصول ملیت علاقه مند و روز بروز پیوندهای آنرا محکم میکند ولی به يك طرف مخصوصی این صفت را در شرقی مذموم می شمارد - اروپائی بعادات و رسوم و شئون ملی خود می پرازد ولی این خصائص را در شرقی یکنوع کهنه پرستی قلم میدهد - حب وطن یکی از صفات پسندیده و قابل ستایش اروپائی است ولی این صفت را در شرق یکنوع گناه و خیانت حساب میکنند و هر کس از شرقیها دارای این صفت ممدوحه باشد از محو و اعدام و فنای او غفلت نمیکنند و تا بمقصود نرسیده ساکت و آرام نمیشود .

ایرانی باید بداند وقتیکه با اروپا یا امریکا می رود چه

چیزها و چه علمها چه صنعتها و چه معلومات برای قدرت و عظمت و شوکت و جلال و سعادت ایران و ایرانی لازم است که آنها را تحصیل نماید گوی تمدن ظاهر را نخورد بالفاظ درخشان مفتون نشود بافکار و عقاید مردمان نظری مجذوب نگردد بانچیزی علاقه مند شود که اساس نظام دنیا روی آن قرار گرفته و آن علم و دانش است و هرملتی که این جواهر نفیس و گرانبها را دارا است قدرت و عظمت و شوکت را نیز داراست و هرکس بی بهره است از قدرت و عظمت و شوکت نیز بی بهره است

### خاتمه

جوانهای شرافتمند ایران من اینک با شما خدا حافظی میکنم و شما را بخداوند متعال می سپارم امید وارم آن یگانه قادر حی لا یزال که نگذاشته در عرض دو هزار و پانصد سال رشته حیات ملی ایران گسیخته گردد باز هم در این کشمکش دنیای حرص و آرز جنک و آشوب قتل و غارت و کشتار که تمدن امروزی دول و ملل غربی بوجود آورده است نگذارد رشته حیات ملی آن پاره شود و چراغ عمر آن خاموش گردد بعد از لطف خداوندی دوام و بقای نسل ایرانی بسته بوجود های ذیقیمت شماست سعادت و نیکبختی سکنه آن مربوط بمیزان جدیت و فدا کاری شماست انتشار علوم و صنایع بسته بمقدار علم و دانش شماست بنا بر این آتیه درخشان ایران فقط در سایه جدیت و فدا کاری و آن اندازه سعی و کوشش شماست

که هر قدر میزان آن زیاد تر باشد ترقی در آن بیشتر محسوس و معلوم خواهد شد.

من از روز تولد شما با شما همراه بودم برای اینکه شما ها يك جوانهای لایق و کافی زیرك و با هوش باشید برای خانواده ملت و وطن مفید و فدا کار باشید از گفتن نکات مهم برای حفظ و حراست شما بقدر فهم خود کوتاهی نکردم باندازه که اطلاع داشتیم از خوراك و پوشش و گردش و هوا خوری شما ها صحبت نمودم تا اینکه شما ها بسخن گفتن آغاز نمودید من باز درینجا ساکت نشدم طریق صحبت با شما را تذکر دادم و اشاره نمودم که باید با اطفال خورد سال بچه نحو سخن گفت و چگونه سوالات آنها را جواب داد و از چه مقوله با آنها صحبت نمود تا بسن شش و هفت ساله شما با شما همراه بودم و نگذاشتم شما ها را بمجامع گریه و زاری برنند راضی نشدم بواسطه دیدن این مناظر غم انگیز گردملال در خاطر شما نشیند اصرا داشتیم شما را بدیدن مناظر خوب و قشنگ فرح انگیز طبیعت ببرند که روح پاک و بی آلابش شما ها همیشه شاد و خرم باشد - طرز سلوك و رفتار با شما را بوالدین شما یاد آوری نمودم و در تمام دوره تربیت شما در خانواده من مواظب شما بودم تا اینکه نوبت تربیت مدرسه شما شروع گردید باز من خود داری نکردم شما را ول نکردم در مدارس ابتدائی و متوسطه و عالی در تمام اوقات با شما همراه بودم.

میدانم گرفتار چه مصائب و محن تالم انگیز بودید

میدیدم چه درسهای غیر لازم و بیموقع بشما از چه کتابهای غیر مفید اجباراً تدریس مینمودند و در چه محل های مخالف حفظ الصحه بنام مدارس شما را جای میدادند بدست چسه کسانی بنام معلم شما را سپرده بودند بر من و بر خود شما واضح و روشن بوده چه روزهای تلخی بود که بیابان رسید و دورهٔ مدرسهٔ ابتدائی خاتمه یافت من نیز باغم و اندوه باشما آنرا بیابان رسانیدم با امید اینکه شما بحد رشد و تمیز برسید و معایب را اصلاح کنید همین آرزو را هم دارم .

خوب دیدم در دورهٔ متوسطه نیز هیچ فرقی درین نبود کتب از رشته همان کتب ابتدائی معلمین سر کرباس همان قماشهای اولیه مدارس نمونه همان مدارس منتهی و سیمتر طرز رفتار و گفتار و تدریس مانند سابق غالب دروس که هیچ کتاب نداشت قسمت عمده دروس مدارس متوسط و عالی مانند علوم پیشینیان از سینه به سینه تلقین میشد شماها ناچار بودید آنچه که معلم طوطی وار میآورد یاد بگیرید و خودتان روی کاغذ بیارید البته این نیز يك طرزی است من و شماها که حال بان روزهای گذشته دوره درسهای مدارس نظر میکنیم و آن اوضاع را بخاطر میاوریم تعجب ما بیشتر میگردد آیا آنهم طریق تدریس و تعلیم بود؟ البته هیچکس درین بین مقصر نیست عمل هر کس نتیجهٔ فهم و دانش اوست انطور فهمیده و دانسته شده بود همانطور نیز عمل میشد لله الحمد شماها جوانهای قابل و لایق و با معلومات امروزی مسلح شده اید و اصول تعلیم

و تربیت در نتیجه علم و دانش شما تغییر خواهد نمود شماها بیشتر و بهتر از پدران خود دارای معلومات هستید از آنها باید نمونه شد که بقدر عقل و دانش خود این وسایل ناقص را فراهم آوردند و هر طور بود يك ترتيب اسمی هم بان دادند و شماها را با همان وسایل ناقص تعلیم و تربیت نمودند روزگار نیز كمك کرد شماها باین درجه علم و دانش رسیدید و میدانید آن نواقص چیست و رفع آن چگونه میسر میشود اینك نوبت شماهاست .

من در ضمن گفتار خود اقوال بزرگترین مریدان بشر را در باب تعلیم و تربیت انسان شاهد آوردم مخصوصاً در آن قسمت که چه معلوماتی برای انسان لازم است و قدر و قیمت هر يك از آنها در زندگانی بشر چیست و انسان از تحصیل آنها چه استفاده هایی باید ببرد و چه نتایجی را از فرا گرفتن آنها باید انتظار داشته باشد .

حال من با يك شوق و ذوقی باتیه درخشان شماها نظر میکنم و امیدوارم آنروز بزودی برسد و نتیجه اعمال و افکار شماها را مشاهده کنم و یقین میدانم این وضع ناگوار تعلیم و تدریس را تغییر خواهید داد بجای آن يك اصول صحیح برقرار خواهید نمود که يك محصل ایرانی آنچه که تحصیل میکند بفهمد چه تحصیل میکند و اسباب و وسایل تحصیل او فراهم شده باشد .

در این عقیده هیچ تردید ندارم و یکی از حقایق مسلمه

است که تمدن امروزی نتیجه مدرسه‌است تمدنی که از راه مدرسه تحصیل نشده باشد موضوع ندارد فرق بینی که بین شرقی و غربی است همین يك مسئله است شرقی از مدارس علوم و صنایع و حکمت و فلسفه بیرون نیامده پس متمدن نیست غربی از مدارس علوم و صنایع و فنون و حکمت و فلسفه بیرون آمده در این صورت متمدن است و از برکت تمدن است که دارای آن قوت و قدرت و توانائی شده است که عوامل طبیعت را مطیع و منقاد خود کرده بزمین و زمان حکمرانی میکنند تا شرق نیز دارای این قدرت و قوت و توانائی نشده انسان متمدن بشمار نمیرود .

انتهی

---

چایخانه خاور تهران خیابان لاله زار

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۱۰۲ ر ۷۵	زراعت	۳۳	آبله
۱۵۷ ر ۱۵۴ ر ۹۸	ژاپون	۴۰	آب خوراکی
۶۳ ر ۵۶ ر ۵۲ ر ۴۳	سینسر (هربرت)	۷۱	ابریشم
۱۶۳ ر ۱۴۱ ر ۱۳۸ ر ۱۲۴ ر ۱۲۰ ر ۱۱۰	سن اطفال برای درس ۴۳	۹۰	اسکناس
		۱۶۰ ر ۹۸	آلمان
۱۱۰ ر ۱۰۷	سیاسیون	۱۶۰ ر ۹۸ ر ۲۴	امریکا
۱۰۰	شنا گردان اعزامی اروپا	۹۸ ر ۷۳ ر ۶۹ ر ۳۱ ر ۲۶	انگلیس
۹۳ ر ۴ ر ۷۳	صفویه	۷۳	ایتالیا
۱۷۶ ر ۱۲۲ ر ۱۱۲ ر ۱۱۰ ر ۷۷	عائله	۹۹ ر ۹۰ ر ۶۷	پانك
	علومیکه لازم است ۵۱	۸۸	براون (ادوارد)
۱۱۴	غذای اطفال	۱۶۴	بیزمارك
۱۱۹ ر ۱۱۵ ر ۵۶	فیزیولوژی	۱۶۵	پروس
۸۲	قالی بافی	۱۳۵ ر ۷	پهلوی (اعلیحضرت)
۲۵	الباس اطفال	۱۰۶ ر ۹۷ ر ۹۴ ر ۸۵	تجار
۱۱۵ ر ۷	مادر جوان	۷۳	ترباك
۱۰۶ ر ۴۴ ر ۱۳	معلم و اهمیت آن	۱۷۳ ر ۸۵	تمدن اروپا
۱۰۲ ر ۹۶ ر ۹۲	معادن	۱۲۳ ر ۲۲	حفظ الصحه اطفال
۱۴۹	موسیقی	۴۱	خوراك اطفال
۹۵ ر ۹۰	نقط جنوب	۱۳۵ ر ۷۰	روسیه
۲۷ ر ۲۱	ورزش	۱۴۸	نقاشی
		۱۵۷ ر ۵۰	وزارت معارف

## غلط نامه

<u>صحيح</u>	<u>غلط</u>	<u>سطر</u>	<u>صفحه</u>
مناسب	مناسبت	۸	۱۶
خنکى	خستگى	۱۱	۲۶
احساس	حساس	«	«
صفات	ضعیات	۷	۲۹
است	اینست	۸	«
	کلمه (اقا) زیاد است	۱۱	«
مشرقى	مشرقى	۲۱	«
عنايت	سیاست	۳	۳۸
لازم	الزام	۶	۵۲
ضربان	جریان	۴	۶۲
هیچ	بهیچ	۶	۱۰۴
سنخ	نسخ	۱۶	۱۱۱
کسب	کتب	۲۰	۱۱۲
علمى بايد	بايد علمى	۱۹	۱۲۹
اجتماعات	اجتماعیات	۱۵	۱۳۲
مقدم	معدوم	۷	۱۴۴
	( سه ) زیاد است	۱۴	۱۴۷
همین	یمین	۱۵	۱۴۸
بحیرت	بحدت	۲۰	۱۶۶
قاتل	غافل	۵	۱۸۰
نیست	بیست	۱۵	۱۸۱







آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار  
کی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی  
رٹ میں ایک آنہ یومیہ دیرانہ لیا جائے گا۔













